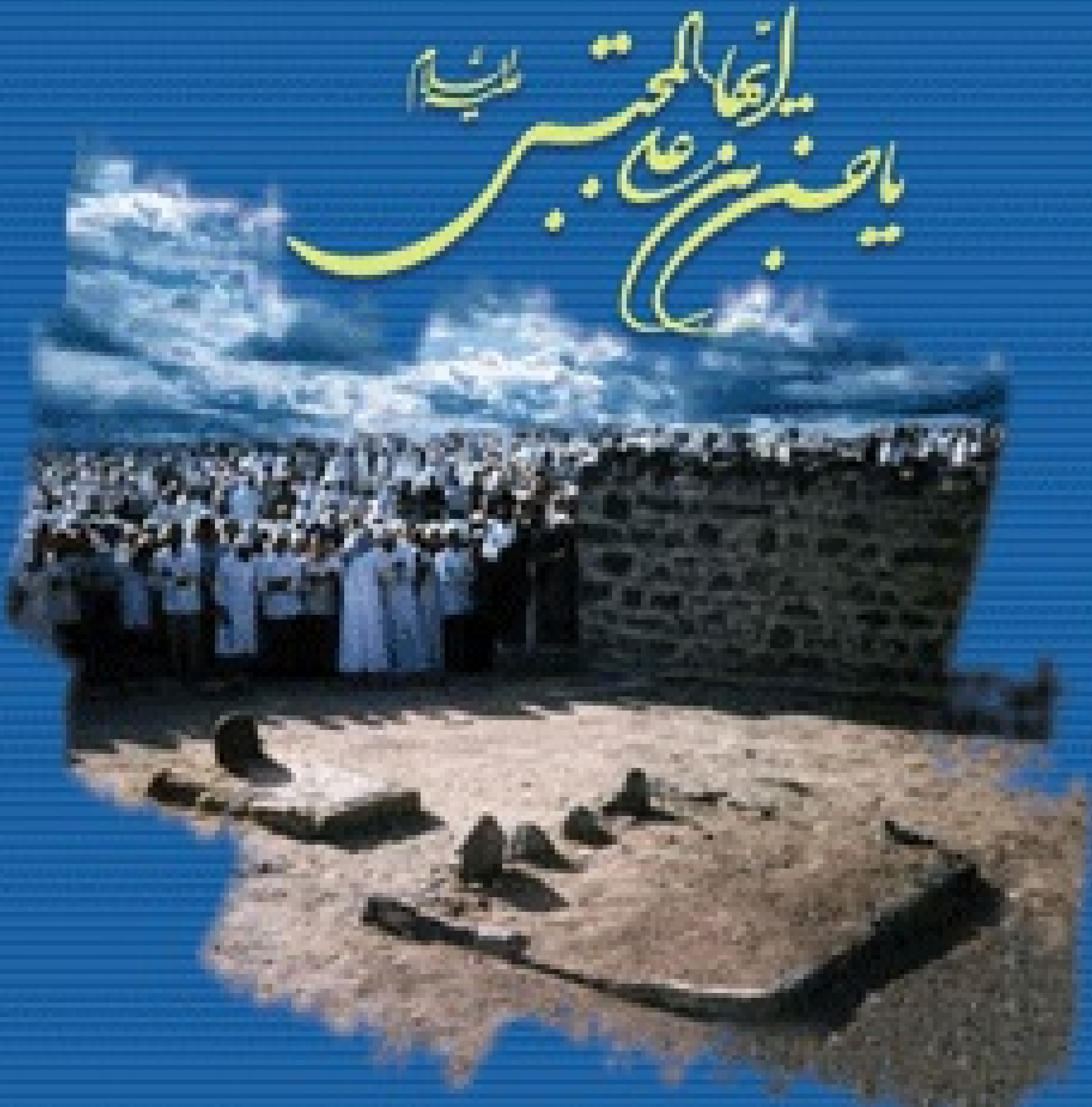


بزرگداشت سبط اکبر امام مجتبی (علیه السلام)

سخنرانی حضرت آیت ا... سید حسن فقیه امامی ره

بسم الله الرحمن الرحیم

شهادت امام حسن مجتبی (علیه السلام)

نویسنده:

حسن فقیه امامی

ناشر چاپی:

مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه :فقیه امامی، حسن، ۱۳۱۳ -

عنوان و نام پدیدآور : بزرگداشت امام حسن مجتبی (علیه السلام) / [سخنرانی حسن فقیه امامی].

مشخصات نشر : اصفهان: مدرسه علمیه ذوالفقار، واحد تحقیقات ، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۲۴ ص. ؛ ۱۱/۵×۱۶ س م .

شابک : ۶-۲۳۲۲-۰۴-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتاب حاضر سخنرانی حضرت آیه الله حاج سید حسن فقیه امامی ویژه شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام است.

یادداشت : عنوان روی جلد: بزرگداشت سبط اکبر امام مجتبی (علیه السلام).

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد : بزرگداشت سبط اکبر امام مجتبی (علیه السلام).

موضوع : حسن بن علی (ع)، امام دوم ، ۳ - ۵۰ق.

رده بندی کنگره : BP۴۰ /ف۷ب۴ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۲

شماره کتابشناسی ملی :۱۵۵۴۸۱۸

متن سخنرانی

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

الحمدُ للَّه ربّ العالمین و الصلوهُ و السلام علی سیّدنا و نبیّنا أبی القاسم مُحَمَّد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم، واللَعنُ الدائم علی أعدائهم أجمعین مِن الآن إلی قیامِ یوم الدّین.

قال اللَّه الحکیم فی کتابه الکریم:

«إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً»(۱)

ابتدائاً شـهادت سبط اکبر امام مجتبی امام حسن علیه السلام را به ساحت مقدّس حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه و شما علاقمندان به آن بزرگـوار تسلیت می گـوئیم و بنـابر نقلی که شـده است ولاـدت هفتمین اختر تابنـاک امـامت و ولاـیت آقـا موسـی بن جعفرعلیه السلام را هم تبریک و تهنیت می گوئیم.

آنطوری که در روایات است ائمه علیهم السلام فرموده اند:

«خـدا بنی امیّه را لعنت کنـد که برای ما عیـدی باقی نگذاشـته انـد» بنابراین در واقع ما تا قبل از ظهور حضـرت بقیه اللّه عیـدی نداریم حال ولو در ظاهر مراسم عید را بر پا می کنیم ولی در حقیقت عید نیست.

امّا مطلبی که به مناسبت شهادت حضرت امام مجتبی علیه السلام می خواهم خدمت شما بیان کنم

یک ضابطه کلی است، یک سنّت از سنّت های الهی که برای ما خیلی سازنده است، یعنی ما طلبه هائی که به هر حال شغلمان شغل انبیاء و ائمه طاهرین علیهم السلام است برای ما این حوادث گذشته، درس های بزرگی است و آن مطلب کلی و سنّتی که از سنن الهی است.این است که گاهی اوقات یک پیروزی ابتدائی است و یک شکست نهائی است و گاهی قضیه به عکس است، شکست ابتدائی و پیروزی نهائی است.

ما اگر واقعاً این سنت های خدا را بررسی کنیم باید از پیروزی ابتدائی خوش دل نباشیم و از شکست نهائی در امان نباشیم. حال این مطلب را توضیح می دهم:

در جریان کار حق و باطل، حق گاهی شکست ابتدائی دارد ولیکن پیروزی نهائی است. امّا باطل کاملاً به عکس است یک پیروزی ابتدائی دارد و یک شکست نهائی.

و ما اگر انسان های عاقلی باشیم باید پیروزی نهائی را در نظر بگیریم. پیروزی ابتدائی به درد نمی خورد در جنگ ها هم همین طور است، جنگ و گریز هست. گاهی دو لشکر به هم حمله می کنند یکی شکست می خورد این ها نباید مأیوس شوند. باید به جنگ ادامه دهند، شاید در انتهای جنگ پیروز شوند. انسان ها نمی توانند به ابتدای کار نگاه کنند، آخر کار معلوم نیست.

در عرف یک مثلی می زنند که خیلی گویای این مطلب است و آن این است که می گویند: «باید جوجه ها را در آخر پاییز شمرد.»

یعنی چه؟ یعنی یک مرغی که کُرت می آید، بیست دانه تخم مرغ زیر پایش می گذارند، مرغ روی این تخم مرغ ها می خوابد. صاحب این تخم مرغ ها خوشحال می شود که این مرغ پذیرفت که بیست دانه تخم مرغ زیر پایش بگذارند و امیدش

به این است که این بیست تخم مرغ همه اش جوجه شود ولی می تواند رویش حساب کند؟ نه. چرا؟ چون معلوم نیست تا آخر کار چند تا از این تخم مرغ ها جوجه شوند و چند تا فاسد بشوند. یک وقت می بینید این مرغ روی این تخم مرغ ها می خوابد و پنـج تا جوجه بیشتر بوجود نمی آیـد و بقیّه تخم مرغ ها فاسد می شود و از بین می رود. خوب حالا فرض می کنیم که روی این تخم مرغ ها خوابیـد و تمامش در آمد. بیست عدد جوجه راه افتادند اما معلوم نیست که این ها همه اش به ثمر برسد، یک وقت می بینید که یکی را مادر پا روی گردنش می گذارد و خفه اش می کند، یکی را گربه می برد و به یکی آفت می رسـد و می میرد. معلوم نیست تا این ها بیاینـد پر و پوشال پیـدا کننـد و بزرگ شونـد و به صورت یک مرغ در بیایند، تا پائیز در این چنـد ماه چه آفاتی به آن ها برسـد، چنـد تا از آن ها بماننـد. صاحب مرغ وقتی می توانـد خوشـحال باشـد که در پائیز ببیند هر بیست عـدد جوجه، مرغ شـده انـد و در آخر پـائیز به کمـال رسـیده انـد. امـا اگر تـا آمـدن پـائیز، از بین رفتنـد این دیگر جـای خوشحالی نیست.

درست است که اوّل بیست جوجه بیرون آمدند ولی آخرش چند تا از آن ها باقی ماندند؟

این است که می گویند نمی شود روی آن حساب باز کرد و جوجه ها را باید آخر پائیز شمرد.

این از نظر عرفی عرفی بود امّا از نظر تجربی نیز همین طور است. در جنگ ها، عقب نشینی دارد، پیشرفت هم دارد امّا پیشرفت های دفعی را نمی شود روی آن ها حساب باز کرد یک وقت می روند

در دل خاک دشمن، خوشحال می شوند که پیروز شدیم ولی در آن وقت ممکن است دشمن ضربه بزند؛ به این معنا که معلوم نیست که دشمن بگذارد که آن ها همیشه در دل خاکشان بمانند. ممکن است دشمن حمله کند و آن ها مجبور به عقب نشینی شوند، عاقبت که جنگ خاتمه پیدا کرد باید ببینیم پیروزی با کیست؟

آن پیروزی های ابتدائی رویش حساب نیست قرآن می فرماید:

«وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقينَ»(۲)

اگر مبارزه ای بین متقین و غیر متقین پیش آمد ممکن است در بدو امر مخالفین پیروز شوند و متقین شکست بخورند ولی این کلیّت ندارد. عاقبت پیروزی از آن متقین است.

در جنگ های صدر اسلام این جریانات اتفاق افتاده، پیامبرصلی الله علیه وآله جنگ داشته اند، امیرالمؤمنین علیه السلام جنگ داشتند، امام حسین علیه السلام جنگیدند و ما می بینیم که این ها معمولاً گرفتار شکست ابتدائی بوده اند ولی وقتی به آخر کار نگاه می کنیم، می بینیم این شکست ها ابتدائی بوده است و پیروزی نهائی برای اهل بیت علیهم السلام بوده.

این مسئله را در مورد امام حسین علیه السلام تجربه کردیم.

چطور؟ آقا امام حسین علیه السلام به کربلا آمدند، جنگ هم شروع شد.

حالا انگیزه های جنگ چه بود؟ بعضی ها فکر می کنند آقا امام حسین علیه السلام به قصد حکومت آمده اند منتهی نتوانستند پیروزی را بدست آورند و شکست خوردند، ولی این طور نیست. قضیه آقا امام حسین علیه السلام و تمام مراحل آن بر مبنای وظیفه بود. حضرت شبانه از مدینه هجرت کردند می خواست حضرت را اعدام کند امّا حضرت هجرت کردند که اعدام نشوند این وظیفه بود. به طرف مکّه آمدند وظیفه بود، چون حرم امن الهی بود. مردم کوفه دوازده هزار نامه نوشتند و دعوتشان کردند، وظیفه امام است که وقتی مردم

او را دعوت کردند بپذیرد. به کوفه آمدند چون مردم دعوت کرده بودند. در نزدیکی کوفه نگذاشتند امام وارد کوفه شوند.

بنابراین امام باید یا بیعت کنند یا هیچ عکس العملی نشان ندهند تا کشته شوند یا که باید دفاع کنند.

در اینجا وظیفه امام دفاع بود ولو این که به حسب ظاهر کشته شوند. به این هفتاد و دو نفر حمله کردند و آن ها مجبور به دفاع شدند و در دفاع کشته شدند.

حالا این شکست بود یا پیروزی؟

بر حسب ظاهر شکست ابتدائی بود، ولی پیروزی نهائی داشت، برای این که وقتی امام حسین علیه السلام با یاران و اصحابشان کشته شدند همان روز در همان میدان کربلا به سرکردگی سلیمان بن صُرد خزاعی پانزده هزار نفر از آن ها تازه به هوش آمدند و به توّابین معروف شدند و علیه یزید قیام کردند و کم کم زمینه را برای قیام مختار و احمد سفّاح مساعد کردند و ریشه بنی امیّه کنده شد.

امام حسین علیه السلام به حسب ظاهر شکست ابتدائی داشتند ولی یک پیروزی نهائی شد که به قیمت نابودی بنی امیّه تمام شد.

این از آثار حضرت امام حسین علیه السلام می باشد که قضیه خیلی روشن بود. پس امام حسین علیه السلام شکستی نداشتند اگر هم شکست بود، شکست ابتدائی بود، پیروزی نهائی را امام حسین علیه السلام داشتند.

راجع به آقا حضرت امام حسن علیه السلام هم عیناً همین طور است. حضرت با معاویه درگیر شدند، معاویه صد هزار مرد شمشیرزن را که در رکاب حضرت علی علیه السلام بودند و بعد از حضرت علی علیه السلام وابسته به امام حسن علیه السلام شدند را با پول خرید. بیست هزار تا سی هزار نفر، کم کم پول گرفتند

و برگشتند تا جائی که امام حسن علیه السلام تنها ماندند.

حالا بجنگند یا صلح کنند یا بیعت نمایند؟

اگر بخواهند با معاویه بیعت کنند که جایز نیست، چون معاویه مرد مکّار عجیب و غریبی است.

بخواهند بجنگند همه اطرافیان حضرت را خریدند و آن ها حضرت را تنها گذاشتند در حدّی که جانماز را از زیر پای حضرت کشیدند، پس جنگ هم نمی توانند بکنند،

ناچار باید صلح کنند؛ صلح ظاهرش شکست ولی باطنش پیروزی بود. چرا؟

اگر موادِّ عهدنامه را بخوانید متوجّه می شوید که حضرت امام حسن علیه السلام چگونه زمینه را برای شکست معاویه فراهم کردند. صلح نامه در چند بند تنظیم شد، بندهای جالبی که آن ها را برای شما بیان می کنم.

امام حسن علیه السلام با این صلح، گور معاویه را کندند. چگونه؟ برای این که معاویه به این عهدنامه عمل نکرد و خودش را از درجه اعتبار ساقط کرد و از نظر شرعی و مردمی به خاطر ناجوانمردی و شکستن این صلح و عهدنامه حیثیّت خود را از بین برد.

حال چند بند صلح نامه هست که بسیار جالب است.

حضرت فرمودند ما این کار را به تو واگذار می کنیم مشروط به این که:

اولاً به کتاب خدا و سنّت پیغمبر و سیره خلفای صالحین عمل کنی.

دست و پای او را بستند تا نتواند مطابق خواست خودش، هر کاری که دلش خواست در مملکت انجام دهد. به کتاب خدا و سنّت رسول خدا و سیره خلفای صالحین پایبندش کردند.

دوم: «اَنْ یَکُونَ الاَمْرُ لِلْحَسَنِ مِنْ بَعْدِهِ» بعد از معاویه حکومت به امام حسن علیه السلام برسد و اگر برای امام حسن علیه السلام پیش آمدی شد، حکومت به امام حسین علیه السلام برسد.

سوم: «اَنْ یَتْرُکَ سَبَّ أمیرالمؤمنین» دیگر معاویه به

امیرالمؤمنین دهن کجی نکند و از آن طرف «وَ اَنْ لایَذْکُرَ عَلیّاً الّا بِخَیْرٍ» و از امیرالمؤمنین جز به خیر به چیز دیگری یاد نکند.

حضرت جلوی سم پاشی های معاویه را علیه امیرالمؤمنین علیه السلام به این کیفیّت گرفتند.

چهارم: این که (البته این قید چهارم یک مقدار صحبت دارد حال اجمالش را می گویم) فرمودند: «اسْتِثْنَاءُ ما فی بَیْتِ مالِ الْکُوفَهِ وَ هُوَ خَمْسَهُ آلافِ الف دِرْهَم» پنجاه هزار هزار درهم در بیت المال کوفه بود. حضرت فرمودند همه امور را به تو واگذار می کنیم اما حق تصرّف در بیت المال را نداشته باشی.

«وَ عَلی مُعَاوِیَهِ اَنْ یَحْمِلَ الی الحَسَنِ اَلْفَیْ اَلْف دِرْهَم»

و فرمودند که دو میلیون درهم از بیت المال به امام حسن علیه السلام داده شود.

«وَ اَنْ یُفَضِّلَ بَنی هَاشِمَ فی العَطَاءِ» از بیت المال سهام بیشتری به بنی هاشم بدهند و بعد می فرمایند که: «وَ اَنْ یُفَرِّقَ فی اَولادِ مَنْ قُتِلَ مَعَ امیرَ المُؤمِنین یَومَ الجَمَلِ وَ اَوْلادِ مَنْ قُتِلَ مَعَهُ بِصِفِّیْن الف الف دِرْهَم» یک میلیون درهم نیز به کسانی بدهند که اولاد کشته شدگان (شهداء) در جنگ جمل و صفّین بودند.

خاصیّت این قرارداد این بود که اگر معاویه این قرار داد را بپذیرد معنایش این است که شهدای جنگ جمل و صفّین را به رسمیت شناخته و الّا اگر این ها مسلمان نبودند از بیت المال نباید چیزی به آن ها داده می شد پس این که می گوید به اولادشان این قدر پول بدهید یعنی آن ها مظلوم کشته شده اند و معاویه عملاً روی جنگ های صفّین و جمل صحّت می گذارد.

پنجم: « عَلی اَنَّ النَّاس آمِنُونَ حَیْثُ کَانُوا فی اَرْضِ اللَّهِ فی شَامِهِمْ وَ عَرَاقِهِم وَ حِجَازِهِمْ وَ یَمَنِهِمْ»

از دیگر بندهای

قرارداد این بود که مردم مسلمان هر کجا باشند چه در شام، چه در کوفه، چه در عراق، چه در یمن و سوریه، همه جا در امان هستند.

و فرمودند: « وَ أنْ یُؤمِنَ الاَسْوَدَ وَ الاَحْمَرْ» هر کس می خواهد باشد سیاه رنگ یا سرخ پوست در امان باشد کسی با او کاری نداشته باشد.

«وَ أنْ یَحْتَمِلَ مُعَاوِیَه مَا یَکُونُ مِنْ هَفَواتِهِمْ» معاویه اگر هم یک وقتی آن ها کار نابسامانی داشتند از آن ها گذشت کند.

«وَ أنْ لا یَتَّبَعَ اَحَداً بِمَا مَضی » نسبت به وقایع گذشته کسی را دستگیر نکند.

«وَ لاـ یَأخُذَ اَهْلَ العَرَاقِ بِإحْنَهِ» یعنی به مردم عراق هم کاری نداشته باشد. چون مردم شام زیر پرچم معاویه و مردم عراق زیر پرچم امیرالمؤمنین علیه السلام بودند.

فرمودند که معاویه با مردم عراق کاری نداشته باشد و اصحاب علی علیه السلام هر کجا هستند در امان باشند، در بیابان ها، در شهرها، روستاها، هر جا هستند مالشان، جانشان، اولادشان و ناموسشان در امان باشد و کسی با آن ها کاری نداشته باشد.

احدی متعرّض جان و مال و ناموسشان نباشد.

یکی هم «أنْ لا یَبْقی لَلْحَسَنِ بْنِ عَلیٍّ وَ لا لأخِیهِ الحُسَیْن وَ لا لأحَدٍ مِنْ اَهْلِ بَیْتِ رَسُول اللَّه غَائِلَه»

حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام و وابستگانشان توطئه ای نداشته باشند یعنی کاری به کار سیاسی نداشته باشند(۳)

و همه این ها در قرارداد امضاء شد و معاویه هم موافقت کرد واین عهدنامه را امضاء کرد و به حکومت خود ادامه داد.

ولی یک روز این عهدنامه را زیر پایش گذاشت و پاره کرد و گفت من این عهدنامه را زیر پا گذاشتم.

یک مسلمانی که عهد می بندد و امضاء می دهد نمی باید این قدر نامرد باشد

که بیاید عهدنامه را زیر پا گذاشته و پاره کند ولی معاویه این کار را کرد و حیثیّت و اعتبار خود را از بین برد و معلوم می شود نه دین، نه ایمان و نه وجدان اخلاقی دارد.

خلاصه این ها با عملشان ثابت کردند که ذره المثقالی دین در تمام کانون وجودشان نیست و این یک شکست بزرگ برای معاویه بود.

درست است به حسب ظاهر پیروزی بود ولی در باطن خودش را به دست خودش نابود کرد بعد هم بنا بود برای خودش ولیّعهد انتخاب نکند. امام حسن علیه السلام را مسموم کرد تا بتواند یک کسی را به جای خودش بگذارد.

بعد هم یزید را به عنوان ولیّعهد معرفی کرد. دیگر یک مخالفت رسمی با عهدنامه و امام حسن علیه السلام کرد.

مردم هم که یادشان نرفته است که او با امام حسن علیه السلام پیمان بسته است. مردم فهمیدند که او یک انسان متجاوزی است که پایبند به هیچ چیز نیست.

و زمینه را مساعد کرد که مردم عصبانی شوند و کم کم فجایع بنی امیّه رو بیفتد تا این که امام حسین علیه السلام بتوانند قیام کنند و آن ها را از بین ببرند.

با نهضت امام حسین علیه السلام و آمدن یزید بر سر کار آن هم یزید جوان بی تجربه، خلاصه زمینه مساعد شد برای ریشه کن شدن بنی امیّه و دیگر اثری از آثار آنان باقی نماند.

پیروزیشان، پیروزی ابتدائی بود و شکست نهائی را داشتند.

امام حسین علیه السلام شکستشان ابتدائی و پیروزی نهائی را داشتند.

که ما به آن می گوئیم: «وَ الْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقینَ»(۴)

و این برای ما درس بزرگی است.

ممکن است ما با یک عمل خلاف قاعده و شرعی به اهداف خودمان برسیم ولی این ها

ثُبات ندارد. پس فردا چرخ عوض می شود و برنامه ها تغییر می کند.

مثلاً طبق سنّت الهی، آن وقت آدم نمی تواند گذشته ها را برگرداند.

شما که الحمدللّه اهل علم هستید در هر حالی به فکر پیروزی ابتدائی نباشید و فقط به فکر پیروزی نهائی باشید یک چیزهائی است که فوری جواب می دهد و آدم موفّق می شود ولی حُسن عاقبت در آن نیست. عاقبت می بینی به چه نکبت هائی مبتلا می شود و این درس های بزرگی است که ما از تاریخ اهل بیت علیهم السلام می گیریم.

خدا به برکت اهل بیت علیهم السلام به ما حُسن عاقبت عنایت بفرماید.

وَ السّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُه

پاورقی ها

۱) شرح ۶:«آری، با سختی آسانی است»

۲) اعراف ۱۲۸، قصص ۸۳: «و سرانجام نیک برای پرهیزگاران است!»

۳) اعلام الهدایه ص ۱۴۶

۴) اعراف ۱۲۸، قصص ۸۳

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آيا کسانى که مى‌دانند و کسانى که نمى‌دانند يکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹